

نظم بومی فارسی در ساحل خلیج فارس (سیلوانا سلمان پور، شاعره معاصر ایران زبان)

یلنا مالچانوا

روسیه، مسکو

به زعم بنده، ایران‌شناسان زیادی درباره پیوند ناگسستنی کشور ایران و خلیج فارس نوشته‌اند. بررسی آثار نویسندگان از گذشته‌ای دور ثابت می‌کند که خلیج فارس در حدود مرزهای ایران قدیم بوده است. ناگفته نماند که از گذشته‌های دور، ایرانیان به مناطق مختلف خلیج فارس مهاجرت می‌کردند. از جمله در مقاله‌ها و کتاب‌های ایران‌شناسی دهه‌های اول قرن بیستم ذکر شده بود که ایرانی‌تبارها، طبقه با نفوذ ساکنین شبه جزیره مسندم بوده‌اند.

موضوع مقاله اینجانب به بررسی نظم بومی فارسی در مناطق خلیج فارس می‌پردازد. در این رابطه مقصد ما – تحلیل نظم «سیلوانا سلمان پور» شاعره معاصر که در شهر اوز لارستان فارس متولد شده و اکنون در دیبای زندگی می‌کند، می‌باشد.

موضوع آشنایی من با خانم سیلوانا چنین است: من با ایشان سه سال قبل در شهر شیراز آشنا شدم. در آن زمان همایش بزرگ فارس‌شناسی در شیراز برگزار شده بود. خانم سلمان پور و من در این همایش حضور داشتیم. در واقع این همایش موجب آشنایی من با این شاعره مسلمان



ایرانی بود. البته ایشان شعری در همایش سرودند که زمینه‌ای شده که با سروده های او آشنا شوم. پس از گذشت زمان خانم سلمان پور کتاب شعر خود را (آواز روشن) برای من ارسال کرد. سیلوانا سلمان پور از جمله شعرای به اصطلاح «شعر نو»، یعنی رشته‌ی اساسی ادبیات معاصر فارسی است. این جهت ادبی در آغاز دهه پنجم قرن بیستم پیدا شده است و بنیان‌گذار آن نیما یوشیج (۱۳۳۸ - ۱۲۷۴) بود. نیما یوشیج شعر آزاد و سیستم جدید استعاره (ضمن تاکید بر استعاره، استعاره جدید) را وارد ادبیات فارسی کرده است. نیما شیوه صحبت انفرادی آزاد غزلی را به وجود آورده است.

پس از نیما شاگردان و پیروان وی، از جمله سیلوانا سلمان پور، به بیان داشتن وضع شاعرانه روان به وسیله یک نوعی منظره سمبلیک پرداخته اند.

اشعار سیلوانا سلمان پور اغلب در دهه نهم، که وقت (زمان) تجدید کردن و توسعه یافتن مرحله دوم) در شعر نو بود، سروده شده است. پهلوی سرآمدهای شعر نو و نزدیک‌ترین شاگردان نیما نسل جدید شاعران هم به وجود آمدند، که دارای تجربه زندگی بوده اند و انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق را پشت سر گذاشته اند.

البته موضوعات جدیدی وارد شعر نو شده است، از جمله می‌توان به شعر مذهبی، شعر جنگ تحمیلی و شعر عرفانی اشاره نمود. اشعار سیلوانا سلمان پور این مرحله جدید شعر نو را منعکس می‌سازد.

سیلوانا سلمان پور به طوری که گفته شد و به طوری که فهرست کتابش «آواز روشن» نشان می‌دهد، از سنت نیما یوشیج پیروی می‌کند. فصل اول این کتاب «شعر نیمایی» و فصل دوم «شعرهای سپید» نام دارد. اشعارش قافیه ندارد، اما کلمات یک شکل (مثلاً فعل‌های مختلف) یا همان هجاء تکرار می‌شود. اشعار سیلوانا سلمان پور که ویژگی غزلی دارد، کاملاً مشحون از نگرانی، عشق و فکر روزگار و سرنوشت وطنش (وطن خویش) است. مخصوصاً اشعار «آواز روشن»، «ره آورد» و «خاک اهورایی» حاکی از این است. اینک قطعه ای از شعر «خاک اهورایی» را (۱۳۸۰) برای نمونه می‌آورم:

بیابید



به هر نقطه آن خاک اهورایی زرخیز

گل عشق بکاریم

از اندیشه به آن ریشه بیاریم

و از ژرف زمین،

مهر برآریم

وطن سبزترین باغ جهان است

وطن عشق

وطن شور

وطن شوق

وطن نور

وطن موج

وطن خون

وطن دیده

وطن جان

وطن رود روان

چشمه ایمان

پراوازه وطن

ماه من

«ایران»

به دریای پرآشوب زمان

ساحل امید و کران است

بیایید

وطن دل نگران است

ز دوری شما بر دل دریای وطن



کشتی اندوه روان است
شب و روز
به هر لحظه وطن را بسرایید
به دیدار وطن از همه آفاق برآید
بشتابید!
بیابید!
وطن دل نگران است
بر امواج روان است.

ناگفته نماند که واژه «عشق» مفهوم اصلی اثر سیلوانا سلمان پور است و معنی آن بسیار وسیع، از جمله فلسفی، مذهبی، عرفانی و شاعرانه است. از این لحاظ سیلوانا سلمان پور به عنوان شاعر تجربه تاریخی هم ایرانی و هم جهانی را مورد تأیید قرار می دهد.

اشعار سیلوانا سلمان پور «تماس موج نگاه»، «تشنه»، که خاطره غم‌انگیز فصل جوانی اش است، صدای غزل عشق دارد:
دشت آغوش آنقدر بارانیست
که علف‌ها به شب‌نم نشسته اند
و من که آمده بودم
تا سبدی نور بردارم
در عطر یاس‌های وحشی
گم شدم
بی آنکه شب‌نمی نوشیده باشم.
آفتاب که تابید
پیدايم کن.
«تشنه»، ۱۳۸۱



سیلوانا سلمان پور آهنگ عرفانی عشق به دنیا و به آفریدگارش را با توصیف منظره سمبولیک بیان می دارد. این منظره اضطراب آمیز و عظیم زمان ما در سری اشعارش به نام «یاد» و در اشعار «سماجت ماه»، «در باغ های ترنم» و «در امتداد لبخند» دیده می شود:

کلمات سبز می شوند

بر لبان سکوت

و باغ های ترنم

لبریز از هیاهوی هستی

در خواستگاه کدآمین واژه

تصویر تو نقش بسته بود

که اینچنین فضا را آکنده ای!

«در باغ های ترنم»، ۱۳۸۲

در خلاقیت سیلوانا سلمان پور مسائل عمومی هم (برای نمونه، نقش هنرمند در دنیای معاصر) بازتاب یافته است. شاعر زن عقیده دارد که برطرف شدن هنرمند از وجود و بدبختی جهان سبب بسیاری از فواجع زیست محیطی و معنوی بشریت است. درست همین افکار محتوای شعر «مدعیان مدرن» می شود. سیلوانا سلمان پور معتقد است که پدیده های دردآور دوران کنونی می تواند توسط مفهوم ابدی خیر و سیمای طبیعت که با عشق متحد شده، درک شده باشد. این شعار سیلوانا سلمان پور به طور روشن در شعر «قاموس انسان» (۱۳۸۰) شنیده می شود. این شعر را می توان اظهار متمرکز شناخت شعر از طرف مؤلف دانست:

خورشیدی که پارسی می تابد

دریایی که عربی موج می زند

بادی که فرانسه می وزد

درختی که لاتین می رقصد



ابری که اردو می بارد
 و صبحی که چینی طلوع می کند
 و...
 و...
 و...
 همه عشق را فریاد می زنند
 و خدا می خندد
 به قاموس هزار جلدی انسان
 که در یک کلمه خلاصه می شود:
 «عشق».

اکنون به شرح حال سیلوانا سلمان پور رجوع کنیم.

وی بهار سال ۱۳۳۶ش (فوریه سال ۱۹۵۷م) در «اوز» فارس متولد و از کودکی با شعر آشنا شد. در واقع مادر ایشان نقش مهمی در آشنا شدن او به شعر داشت. زیرا وی (مادر) از سن کودکی اشعار حافظ را از حفظ می خواند. خانم سلمان پور، خود نیز از ۱۳ سالگی به نوشتن شعر پرداخت و آنها را در یک مجموعه جمع آوری نمود. سپس در جوانی با شاعر نامدار مرحوم اسماعیل شاهرودی آشنا شد و تشویق های او بود که موجب گردید نگاه جدی به شعر داشته باشد. در همان زمان بود که انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و او به شیراز بازگشت و ازدواج کرد. این اتفاق تقریباً با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران همزمان بود. گرچه او در این سالها از محافل فرهنگی و ادبی دور بود اما موجب نشد که دست از نوشتن شعر بکشد.

وی در سال ۱۳۶۶ش (سال ۱۹۸۷م) به کشور امارات مهاجرت نمود و در آنجا با شاعر اهل سنت به نام آقای عبداللطیف، که اهل تونس بود، آشنا شد. گویند که او نیز به اشعار فارسی و موسیقی ایرانی نیز آشنایی داشت. عبداللطیف پس از آن برخی اشعار سلمان پور را به عربی ترجمه



کرد و در یکی از روزنامه های پرتیراژ امارات به چاپ رساند. این خود آغازی بر فعالیتهای خانم سلمان پور در آن کشور شد.

سیلوانا سلمان پور شعر خود را نه تنها به زبان فارسی بلکه به زبان یا لهجه مادری اش یعنی گویش لاری نیز، می سراید. شعر لاری سیلوانا سلمان پور را که هم اکنون در اختیار من است می توان مرثیه نامید. محتوای آن را به نظر من می شود با شعر کلاسیک امیر معزی مقایسه نمود:

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

تا یک زمانه زاری کنم

بر ربع و اتلال و دمن

به نظر من اشعار سیلوانا سلمان پور همچون اشعار معزی است که برای معشوقش سروده شده است اما خانم سلمان پور بر خلاف وی برای فرزند خودش سروده است. به عنوان مثال می توان به این قطعه از شعر («یاد با»، ۱۳۷۵) اشاره نمود:

یاد با

از دوار دلم برا چستش

دلم ات برده باخت ان دنیا

خرس مزچش شبانه روز اندا

آخرش خرس چش مکت رسفا

روز و شو فکر و ذکر ما یادت

یاد با، صدهزار یادت با

او در ادامه شعر خود چنین می سراید:

نور چش لحظه ای بیش پیدا

چن گلی زیر پات پرپر بام



یک دفه بی دوو اگر بگش : بابا
 ناهرام هو تو دل تکون بخه
 ناهرام غصه بخرش از دنیا
 عطر اپاشام الی بلشت و پتت
 گل اپاشام قدام قدام هر پا

بدین ترتیب در این شعر گریهٔ مادر، غم و درد بی پایان و آرزوی خام نمایان می باشد. سیلوانا سلمان‌پور تلاشهای جدی را در امارات شروع و فعالیت‌های خود را در زمینهٔ ادبیات ادامه داد. طی این سالها دو شاعر دیگر به نامهای شمس‌الدین و دکتر شهاب غانم نیز بسیاری از اشعار وی را به عربی ترجمه و چاپ کردند.

کانون فرهنگی هند در امارات نیز چندین بار از او دعوت نمودند و حتی یکی از اشعار وی در یک مسابقهٔ عمومی قطعات ادبی و شعر عنوان بهترین را به خود اختصاص داد. البته این اشعار در نشریات هند انعکاس خوبی داشت.

سیلوانا سلمان‌پور معتقد است از آنجا که در کنار کار فرهنگی به فعالیتهای اقتصادی مشغول بود این امر باعث شد تا نتواند در زمینهٔ فرهنگی حضوری مطلوب داشته و بالطبع از معاشرت با اساتید و ادبا محروم شد.

خانم سلمان‌پور پس از شش سال از ورودش به امارات توانست به کمک برخی دوستان خود اولین انجمن ادبی ایرانیان را با نام انجمن ادبی حافظ در آن کشور تشکیل دهد که اکنون ۱۵ سال از فعالیتهای انجمن می گذرد. به واسطهٔ این انجمن جمعی از جوانان و میانسالان ادب دوست و اهل شعر و ادب دور هم جمع شده و به فعالیت ادبی می پردازند. حاصل کار این انجمن چاپ چندین کتاب شعر است که توسط اعضای آن تاکنون به نظم در آمده است.

سلمان‌پور علاوه بر اینکه در تنظیم دانشنامهٔ بزرگ به نام «ایرانیکا» فعالیت جدی داشته در تهیه و چاپ سه کتاب به نامهای ۱- «بر بلندای خیال»، ۲- «نبض برگ» و ۳- «آواز روشن» و نیز کتاب «سرود دشت» که به گویش لارستانی است، اقدام نموده است، مضاف بر اینکه در حال



اتمام مجموعه تحقیقی به نام بررسی اشعار شعرای «اوز» لارستان فارس می باشد. وی تعدادی از اشعار شعرای عرب را نیز به فارسی برگردانده است. برخی اشعار ایشان هم توسط دیگران به عربی و انگلیسی ترجمه شده است. وی مترصد آن است که در آینده اشعار ترجمه شده خود به سایر زبانها را در یک مجموعه گردآوری نماید.

در سالهای اخیر که برای اولین بار در امارات به نشریات ایرانی اجازه طبع و نشر داده شده ایشان مدیریت یک موسسه چاپ و نشر را به عهده گرفته که تقریباً ۱۹ مجله و نشریه ایرانی را نشر و توزیع می کند، که دو نشریه آثار ادبی را در خود جای می دهد و از این طریق توانسته است روابط خوبی با ایرانیان داخل و خارج از کشور و حتی برخی ادیبان عرب برقرار نماید.

سیلوانا سلمان پور خود معتقد است در قالب های مختلف منجمله آزاد و سپید شعر می سراید اما به قالب نیمایی بیش از همه علاقه مند است و احساس می کند این سبک ویژگیهای بسیار ارزنده ای برای بیان مطالب دارد. علاوه بر اینکه از سبک کلاسیک برای اشعار شخصی - خانوادگی و گاهی از پیش اندیشیده شده بهره می گیرد. وی می گوید به موسیقی، نقاشی و طبیعت و در راس آنها به انسانها عشق می ورزد.